

مقایسه میزان مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان شهرستان نورآباد ممسنی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن

جهانگیر جهانگیری (دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز، نویسنده مسئول)

jjahangiri@gmail.com

فرزانه محمدی (کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز)

چکیده

پژوهش حاضر با هدف عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان انجام شده است. جهت تبیین موضوع تحقیق از نظریات جامعه‌پذیری سیاسی و میلبراث استفاده شده است. مطالعه با استفاده از ابزار پرسش‌نامه بر روی ۳۱۰ جوان و ۳۰۰ میانسال شهرستان نورآباد ممسنی که به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شده‌اند، انجام شده است. داده‌های تحقیق با استفاده از نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده است. براساس نتایج تحقیق، میزان مشارکت سیاسی جوانان و میانسال متوسط بوده، انتخابات بیش از سایر جلوه‌های مشارکت سیاسی در میان آن‌ها عمومیت داشته و تفاوتی بین مشارکت سیاسی آن‌ها به دست نیامده است. بر اساس یافته‌های پژوهش مردان جوان بیشتر از زنان جوان و مردان میانسال بیشتر از زنان میانسال به مشارکت سیاسی می‌پردازند. بین مشارکت سیاسی جوانان برحسب تحصیلات رابطه معنی‌داری به دست نیامده است؛ ولی با بالارفتن تحصیلات میانسالان آن‌ها بیشتر به مشارکت سیاسی می‌پردازند. بین سیاسی‌بودن خانواده، سیاسی‌بودن دوستان، تعهد مذهبی، اعتماد اجتماعی و استفاده از رسانه‌های گروهی با مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان رابطه معنی‌دار و مثبتی به دست آمده است. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد شش متغیر سیاسی‌بودن خانواده، استفاده از رسانه‌های گروهی، اعتماد اجتماعی، جنسیت (مردبودن)، تعهد مذهبی و تمایلات سیاسی دوستان در مجموع توانسته‌اند ۳۱/۶٪ از واریانس مشارکت سیاسی جوانان را تبیین کنند و پنج متغیر سیاسی‌بودن خانواده، استفاده از رسانه‌های گروهی، تعهد مذهبی، جنسیت (مردبودن) و اعتماد اجتماعی در مجموع توانسته‌اند ۴۴/۹٪ از واریانس مشارکت سیاسی میانسالان را تبیین کنند.

کلیدواژه‌ها: عوامل اجتماعی، جوانان، میانسالان، مشارکت سیاسی.

۱. مقدمه

مشارکت سیاسی و چگونگی دخالت مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اداره جامعه از جمله مباحثی است که در سراسر تاریخ، اندیشه سیاسی از قرن‌ها قبل از میلاد مسیح تا به امروز به چشم می‌خورد (چابکی، ۱۳۸۱). مشارکت سیاسی در زندگی تا بدان اندازه اهمیت دارد که ارسطو^۱ آن را محور «زندگی سیاسی» قرار داده است و شهروند را کسی می‌داند که از حق مشارکت در امور قضایی و شورایی برخوردار باشد (اسکلف به نقل از ملکی، ۱۳۸۴). یکی از ابعاد بسیار مهم توسعه انسانی یا پایدار، توسعه سیاسی است که به معنای دگرگونی در قلمرو سیاست با در نظر گرفتن ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه است. از ابعاد بسیار مهم این نوع از توسعه، مشارکت شهروندان در امور عمومی جامعه است (بستانی، ۱۳۸۲).

هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که فاقد شکاف و یا تنها دارای یک شکاف اجتماعی باشد، معمولاً در جوامع به حکم تقسیم‌کار اجتماعی، عوامل مرتبط به تبار و حسب و نسب، جنسیت و غیره چندین شکاف وجود دارد؛ اما ممکن است هر یک از آن‌ها بر حسب عوامل گوناگون در یک زمان فعال یا غیرفعال باشد. در جامعه‌شناسی سیاسی، پویایی جامعه و دولت تا اندازه زیادی محصول فعال شدن و غیرفعال شدن شکاف‌ها در طی زمان است. از نظر ضرورت تکوین، برخی از شکاف‌ها ساختاری و برخی دیگر تاریخی و یا تصادفی هستند. شکاف‌های ساختاری، شکاف‌هایی هستند که به مقتضای برخی ویژگی‌های دگرگونی‌ناپذیر و پایدار در جامعه انسانی پدید آمده‌اند و همواره وجود دارند (بشیریه، ۱۳۸۲). یکی از شکاف‌های تاریخی و ساختاری در جامعه ما عبارت از شکاف سنی است. این شکاف در جامعه سنی به سبب تبعیت سیاسی جوانان از مسن‌ترها، غیرفعال است و در جوامع نوین نیز به علت تغییرات فراگیر اجتماعی بسیار فعال است. با این حال، شکاف مزبور در جوامع در حال گذار گاه فعال و گاه غیرفعال عمل می‌کند. بدین معنی که گاه بر حسب حضور و تلاش‌های سایر شکاف‌ها همچون جناح‌بندی‌های سیاسی فعال شده، به تراکم می‌گراید و زمانی از فعالیت باز می‌ایستد (محمدی‌اصل، ۱۳۸۳).

1. Aristote

با توجه به اهمیت شکاف سنی و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی این مقاله بر آن است که به مطالعه مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان بپردازد. این تحقیق درعین حال که خصلتی بنیادی دارد از ماهیتی کاربردی نیز برخوردار است؛ علاوه بر این، در این مطالعه سعی بر آن است که از یک سو، به ارزیابی از وضعیت مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان پرداخته شده، از سوی دیگر، عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر رفتار سیاسی آنها شناسایی شود.

۱.۱. بیان مسأله

یکی از ابعاد بسیار مهم توسعه انسانی یا پایدار، توسعه سیاسی است که به معنای دگرگونی در قلمرو سیاست با در نظر گرفتن ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جامعه است. توسعه سیاسی معادل عباراتی نظیر بسیج عمومی و مشارکت، ایجاد یک دولت-ملت، استقرار دموکراسی و قدرت عمومی توصیف شده است. از ابعاد بسیار مهم این نوع از توسعه، مشارکت شهروندان در امور عمومی جامعه است. شهروندان به خصوص به نوعی از مشارکت که مشارکت سیاسی است، فراخوانده می شوند. در جهان امروز پدیده مشارکت به امری گریزناپذیر تبدیل شده است و در کشورهای جهان سوم که در گذاری از سنت به مدرنیته به سر می برند، این مسأله به شکل حساس تر رخ می دهد (بستانی، ۱۳۸۲). هر عضو جامعه سنتی معمولاً فاقد ارزش شخصیتی و حقوقی و اجتماعی مستقل است و ارزش-ها و حقوق او غالباً در پیوندهای خانوادگی و قبیله‌ای و منزلتی متبلور می شود (محمدی اصل، ۱۳۸۳) و همبستگی و یکدستی فرهنگی و پیروی فرزندان از پدران خود معمولاً مانع پیدایش شکاف در نگرش‌های نسل‌ها می شود (بشیریه، ۱۳۸۲؛ ۱۰۱)؛ اما در جامعه مدنی، فرد هویتی مستقل دارد که ارزش آن به خاطر فردیت بوده و لذا، در این جامعه روابط آدمیان با یکدیگر و با جامعه چنان به قرارداد کشیده می شود که همه افراد قطع نظر در موقعیت و منزلت خود، دارای حقوق و آزادی و مسؤولیت‌های یکسانی در برابر قانون شوند (محمدی اصل، ۱۳۸۳) و در جوامعی که دست‌خوش تحولات اجتماعی و فرهنگی گسترده‌ای شده‌اند، چنین شکافی محسوس‌تر است (بشیریه، ۱۳۸۲: ۱۰۱).

یکی از شکاف‌های تاریخی و ساختی در جامعه ما، شکاف سنی است. این شکاف در جامعه سنتی به سبب تبعیت سیاسی جوانان از میانسال‌ها، غیرفعال است و در جوامع نوین نیز به علت تغییرات فراگیر اجتماعی بسیار فعال است. با این حال، شکاف مزبور در جوامع در حال گذار گاه فعال و گاه غیرفعال عمل می‌کند. بدین معنی که گاه برحسب حضور و تلاش‌های سایر شکاف‌ها؛ همچون جناح‌بندی‌های سیاسی فعال شده، به تراکم می‌گراید و زمانی از فعالیت باز می‌ایستد (محمدی اصل، ۱۳۸۳).

با توجه به این که جامعه ما مشارکت سیاسی را در طول تاریخ تجربه کرده و از سویی، به دلیل تحولات اجتماعی سعی در کسب تجارب جدیدی دارد و در حال گذار از جامعه سنتی به مدرن است، پیمودن راه دراز میان این دو مرحله، نیازمند شناخت روشی است که برای رسیدن به این مقصود نیازمند آن هستیم (ایمان و مقدس، ۱۳۸۱) و این روش، مقایسه مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان است. بدیهی است آگاهی از میزان مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان در فرآیند تصمیم‌گیری‌ها ضروری بوده و از اهمیت شایانی برخوردار است. از این رو، شناخت این عوامل موضوعی است که نیازمند بررسی و تحقیق است تا راه کارهای مناسبی برای دستیابی به درک واقع‌گرایانه از کنش‌های افراد و نسل‌های مختلف ارایه شود.

۱.۲. اهداف پژوهش

این پژوهش درصدد پاسخگویی به پرسش‌های زیر است:

- ۱- بین مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان تفاوت وجود دارد؟
- ۲- بین مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان برحسب جنسیت تفاوت وجود دارد؟
- ۳- بین مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان برحسب تحصیلات تفاوت وجود دارد؟
- ۴- میزان رابطه بین سیاسی بودن خانواده و مشارکت سیاسی در میان جوانان و میانسالان متفاوت است؟
- ۵- میزان رابطه بین سیاسی بودن دوستان و مشارکت سیاسی در میان جوانان و میانسالان متفاوت است؟
- ۶- میزان رابطه بین اعتماد اجتماعی بر مشارکت سیاسی در میان جوانان و میانسالان متفاوت است؟
- ۷- میزان رابطه بین تعهد مذهبی بر مشارکت سیاسی در میان جوانان و میانسالان متفاوت است؟
- ۸- میزان رابطه بین رسانه‌های گروهی و مشارکت سیاسی در میان جوانان و میانسالان متفاوت است؟

۲. پیشینه تحقیق

۲.۱. پیشینه تجربی

رابطه مشارکت سیاسی، هم به عنوان متغیر تبیین شونده و هم به عنوان متغیر تبیین کننده، با مجموعه متنوعی از متغیرها، مورد توجه محققان قرار گرفته است. مرور پژوهش‌های مرتبط با مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان نشان‌دهنده توجه و تأکید محققان بر سهم و نقش برخی از متغیرها، بیش از سایر متغیرها بوده است که این مهم مبین اهمیت نظری و پژوهشی چنین متغیرهایی است. طی سال‌های گذشته، مطالعات پیمایشی متعددی در داخل و خارج کشور در زمینه مشارکت سیاسی صورت گرفته است. نتایج به دست آمده از این تحقیقات نشان می‌دهد که افراد جوان نسبت به میانسالان مشارکت سیاسی کمتری دارند و در فعالیت‌های سیاسی کمتر مشارکت می‌کنند و ارتباط مستقیمی بین عوامل اجتماعی و مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان وجود دارد.

کینتیلیر^۱ (۲۰۰۷) در مطالعه‌ای که به بررسی «مشارکت سیاسی افراد جوان و سال‌خورده» پرداخته بود، به این نتیجه رسید که افراد جوان کمتر به مشارکت سیاسی می‌پردازند، از مسایل سیاسی آگاهی ندارند، در فعالیت‌های سیاسی شرکت نمی‌کنند، بیشتر نگرش‌های منفی دارند، کمتر اعتقاد به فرآیندهای سیاسی دارند و نسبت به فعالیت‌های سیاسی بی‌احساس هستند و سه علت را برای پایین بودن مشارکت سیاسی جوانان بیان می‌کند: اول تأثیرات نسلی و سبک زندگی؛ برای مثال، جوانان خانه و مسکن ثابتی ندارند و بدون فرزند هستند؛ درحالی‌که بچه‌ها عاملی هستند که باعث می‌شود افراد بیشتر به مشارکت سیاسی بپردازند. دوم، این که افراد جوان جذب شیوه‌های جدیدی از مشارکت می‌شوند و از شکل‌های سنتی مشارکت سیاسی پرهیز می‌کنند، درحالی‌که این شیوه‌های سنتی مشارکت سیاسی به وسیله سالخوردگان صورت می‌گیرد. سوم افراد جوان نگرش‌های متفاوتی در جهت سیاست دارند و معمولاً مفهوم محدودی از سیاست یا مشارکت سیاسی دارند.

کووالسکی^۲ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای تحت عنوان «نحوه مشارکت در سراسر محدوده زندگی» به بررسی انتخابات نه کشور آمریکایی پرداخته است و نشان می‌دهد که بین سن و مشارکت سیاسی

1. Quintelier
2. Kowalski

رابطه وجود دارد. پایین‌ترین میزان مشارکت در بین جوانان، بالاترین آن در بین میانسالان بوده و میزان مشارکت سالخورده‌گان تا حدودی پایین‌تر از میانسالان بوده است. آن‌ها میزان مشارکت پایین جوانان را موجب بروز مشکلاتی می‌دانند. به نظر آن‌ها، عامل‌هایی مانند تحصیلات، یافتن همسر و شغل باعث می‌شود که جوانان از مشارکت سیاسی دوری کنند و هنگامی که جوانان بزرگ‌تر می‌شوند میزان مشارکت آن‌ها نیز افزایش پیدا می‌کند. به نظر آن‌ها، یک سری عواملی با بالا رفتن سن افزایش پیدا می‌کند و منجر به افزایش مشارکت سیاسی می‌شود؛ مانند افزایش حضور در کلیسا، افزایش درآمد خانواده و عضویت حزبی. آن‌ها بیان می‌کنند که با تجربه سیاسی، میانسالان بهتر سیاست درک می‌کنند و بیشتر به مشارکت سیاسی می‌پردازند و وقتی که سن بالا می‌رود، میزان مشارکت سیاسی پایین می‌آید و علت پایین آمدن مشارکت سیاسی در سالخورگی را کاهش تندرستی، افزایش ناتوانی در میان برخی از سالخورده‌گان می‌دانند.

مطالعه‌ای توسط زیکن^۱ و همکارانش (۲۰۰۶) تحت عنوان «مشارکت سیاسی، زندگی شهری و شهروند آمریکایی» انجام گرفته است. آن‌ها نمونه مورد مطالعه را به چهار گروه سنی وظیفه‌شناسان (که قبل از سال ۱۹۴۶ متولد شده بودند)، جهش‌گرایان (که بین سال‌های ۱۹۶۴-۱۹۴۶ متولد شده بودند)، نسل X (که بین سال‌های ۱۹۶۵-۱۹۷۶ متولد شده‌اند) و جدیدترها که هنوز نسل نامیده نشده‌اند، تقسیم کرده‌اند. یافته‌ها نشان داده است که دو نسل قدیمی‌تر بیشتر درگیر سیاست هستند و مایل هستند که به خواسته‌های سیاسی عمل کنند. افراد جوان کمتر درگیر سیاست هستند.

تایلر^۲ (۲۰۰۲) در تحقیقی به بررسی تأثیر سن بر مشارکت سیاسی در ویرجینیای غربی پرداخته و بیان می‌کند که انواع متفاوتی از فعالیت‌های سیاسی در بین گروه‌های سنی وجود دارد و این فعالیت‌ها تحت تأثیر سبک زندگی، تأثیرات نسلی و تأثیرات دوره‌ای (تاریخی) است. تجزیه و تحلیل حاصل از داده‌ها نشان داده‌اند که افراد مسن بیشتر در فعالیت‌های سیاسی عرفی؛ مانند رأی دادن و نوشتن نامه برای کاندیدهای انتخاب‌شده شرکت می‌کنند؛ اما کمتر در شکل غیرعرفی؛ مانند امضا کردن طومار شرکت می‌کنند. در نهایت، بیان می‌کند که افراد بین سنین ۲۹-۱۸ و ۴۴-۳۰ سال بیشتر در شکل‌های

-
1. Zekin
 2. Taylor
 3. Virginia

غیرعرفی؛ مانند امضاکردن درخواست شرکت می‌کنند و افراد مسن نسبت به افراد جوان بیشتر مشارکت دارند.

در ایران نیز مطالعات مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان نتایج کم‌وبیش مشابهی را نشان می‌دهد. چنان‌که نتایج مطالعه‌ای در شهر ایلام توسط شرفخانی (۱۳۸۵) نشان داد که میزان مشارکت زنان جوان بیشتر از مردان جوان است. هر چه سن افراد مورد مطالعه بیشتر باشد، میزان مشارکت آن‌ها در امور شهری بیشتر می‌شود. جوانان شاغل مشارکت بالاتری نسبت به جوانان بیکار دارند. میزان مشارکت افراد با تحصیلات بالاتر بیشتر از افراد با تحصیلات پایین‌تر است. افراد متأهل مشارکت بیشتری نسبت به افراد مجرد دارند. هر چه فرد سنت‌گراتر باشد، میزان مشارکت او در امور شهری کمتر است. هر چه میزان رضایت فرد از خدمات شهری بیشتر باشد، میزان مشارکت او در امور شهری بیشتر می‌شود و شهروندان عضو تشکل‌های غیردولتی مشارکت بیشتری نسبت به غیرعضوها دارند. دیانتی‌نیت (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای دیگری به این نتیجه رسیده که بین عضویت در انجمن‌های داوطلبانه، دوستان سیاسی، خانواده سیاسی، آگاهی سیاسی، فضای باز سیاسی و رسانه‌های گروهی با مشارکت سیاسی، رابطه معنی‌داری وجود دارد و به عبارت دیگر، در افزایش آن نقش به‌سزایی داشته‌اند. متغیرهای عضویت در انجمن‌های داوطلبانه، دوستان سیاسی، خانواده سیاسی و آگاهی سیاسی به ترتیب اولویت از قدرت تبیین بیشتری در خصوص علل فعالیت سیاسی دانشجویان برخوردار بوده‌اند و بین توسعه اجتماعی-اقتصادی و افزایش آگاهی سیاسی، رابطه مستقیم برقرار نیست و تنها در دوره‌های طولانی‌تر که نیازمند تحول فرهنگی است می‌توان رابطه قابل قبولی مشاهده کرد. نتایج مطالعه‌ای دیگر توسط حبیب‌زاده مرودشتی (۱۳۸۲) نشان داد جوانانی که از پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالاتری برخوردار بودند، میزان مشارکت سیاسی-اجتماعی آن‌ها ضعیف‌تر بوده است و برای بالابردن میزان مشارکت سیاسی-اجتماعی جوانان باید هویت ملی-دینی جوانان تقویت شود.

۲.۲. پیشینه نظری

آنچه در تبیین مشارکت سیاسی بیشتر به آن پرداخته می‌شود این است که چه کسانی و چرا مشارکت می‌کنند؛ به عبارتی، چه عواملی سبب مشارکت شهروندان می‌شود. در پاسخ به این سؤالات اندیشمندان زیادی به ارایه نظرات خود پرداخت‌اند و هرکدام به عوامل خاصی نظر داشته‌اند و هرکدام

به یک دسته از عوامل اهمیت بیشتری داده‌اند که این امر در نهایت، موجب تولید رویکردهای مستقل خاصی در تبیین مشارکت سیاسی شده است:

۱) رویکرد انتخاب عمومی در تبیین مشارکت سیاسی

از دیدگاه داونز^۱ انگیزش اقتصادی عامل مشارکت است. وی یک فرد محاسبه‌گر عقلانی را مطرح می‌کند که می‌کوشد هزینه‌ها را به حداقل و منافع را به حداکثر برساند و در سیستمی عمل می‌کند که در آن احزاب برای به حداکثر رساندن رأی فعالیت می‌کنند و شهروندان به طور عقلانی رفتار می‌کنند (احمدی، ۱۳۸۷).

۲) رویکرد روانی-سیاسی در تبیین مشارکت سیاسی

به نظر رابرت دال^۲، برای مشارکت سیاسی دلایلی وجود دارد که عبارت‌اند از: اگر افراد پاداش حاصل از درگیری‌های سیاسی و اجتماعی را ناچیزتر از پاداش سایر فعالیت‌ها ارزیابی کنند؛ در این فعالیت‌ها درگیر نمی‌شوند. اگر افراد بین شق‌های مختلف پیش روی خود تفاوت‌های بارزی احساس نکنند و به آن‌ها اهمیت ندهند، کمتر به مشارکت روی می‌آورند. هرگاه افراد فعالیت خود را بی‌تأثیر تلقی کنند، دست به فعالیت نمی‌زنند. هرگاه بدون مداخله افراد رضایت آن‌ها تأمین شود، احتمال مشارکت آن‌ها کاهش می‌یابد. اگر افراد به علت محدودیت آگاهی و دانش لازم، مشارکت را فاقد کارایی تصور کنند، ترجیح می‌دهند کمتر مشارکت داشته باشند. به موازات افزایش مشکلات مشارکت، احتمال مشارکت کاهش می‌یابد (همان، ۱۳۸۷).

۳) رویکرد جامعه‌شناختی در تبیین مشارکت سیاسی

نظریه جامعه‌پذیری سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی را فرآیند مستمر یادگیری می‌داند که به موجب آن افراد ضمن آشناسیدن با نظام سیاسی از طریق کسب اطلاعات و تجربیات به وظایف، حقوق و نقش‌های خویش در جامعه پی می‌برد. در این فرآیند ارزش‌ها، ایستارها، نهادها، اعتقادات و آداب و رسوم از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. امکان دارد که در جریان این انتقال تغییرات و تعدیل‌هایی نیز صورت گیرد (قوام). جامعه‌پذیری سیاسی نقش مهمی در استمرار حیات یک نسل دارد. از طریق

1. Downs

2. Robert Dahl

فرآیند جامعه‌پذیری سیاسی است که نسل‌های قدیمی‌تر فرهنگ سیاسی جامعه را به نسل‌های جدیدتر منتقل می‌کنند و با توجه به چنین انتقالی است که هر جامعه‌ای موفق می‌شود فرهنگ سیاسی خود را استمرار بخشد (وند نوروز، ۱۳۸۶).

جامعه‌پذیری سیاسی هم از طریق نهادهای «اولیه»؛ مانند خانواده، گروه‌های همسالان و همکاران و هم از طریق نهادهای «ثانویه»؛ مانند مدارس و نهادهای آموزشی، اتحادیه‌ها و نهادهای صنفی، رسانه‌های جمعی؛ مانند رادیو و تلویزیون، ماهواره، مطبوعات و نشریات و غیره، احزاب سیاسی و سازمان‌های اجتماعی صورت می‌گیرد (وند نوروز، ۱۳۸۶، قوام، نادمی).

بر اساس همین رویکرد، میلبراث^۱ بر دو مجموعه از عوامل مرتبط با مشارکت فردی در امور سیاسی تأکید می‌کند: وضعیت اقتصادی-اجتماعی و مرکزیت اجتماعی. در هر دو مجموعه، مشارکت جوانان امری عقلانی و معطوف به هدف نشان داده شده است. افرادی که سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت را مرتبط با علائق و منافع خود می‌دانند، و به‌علاوه، معتقدند که اعمال خودشان، به طور انفرادی یا جمعی، می‌تواند بر تصمیمات حکومت اثر بگذارد، تلاش خواهند کرد چنین اثری بگذارند (مگر این‌که ویژگی‌های ساختاری نظام سیاسی مانع آن‌ها بشود). تحصیلات عالی، وضعیت اجتماعی و درآمد به احتمال زیاد همراه چنین برداشت‌ها و شیوه‌های تفکری هستند. وضعیت اقتصادی-اجتماعی بالاتر، خود راهی به سوی سیاست است (نلسون، ۱۳۷۹) و رابطه مثبتی با مشارکت سیاسی دارد (میلبراث، به نقل از آدامسون، ۲۰۰۲). مرکزیت اجتماعی راه دوم محسوب می‌شود. افرادی که مدت زمان طولانی مقیم یک جامعه هستند، دارای اموال و املاکی بوده، عضو سازمان‌های مختلف هستند، نه آن‌چنان پیر و نه بسیار جوان هستند، عضویت گروه‌های اقلیت را ندارند؛ به این معنی که در کل با آن جامعه آمیخته و هماهنگ شده‌اند، به احتمال زیاد از لحاظ سیاسی فعال خواهند بود (نلسون، ۱۳۷۹: ۱۴۲). میلبراث با مطالعه‌های متنوعی که در کشورهای مختلف انجام داده بود به این نتیجه رسید که بین سن و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. مشارکت سیاسی به‌طور تدریجی با سن افزایش پیدا می‌کند و در چهل سالگی و پنجاه سالگی به اوج خودش می‌رسد و در شصت سالگی به بعد کاهش پیدا می‌کند (نای و دیگران، ۱۹۷۴).

1. Milbrath

نظر میلبراث و گوئل در مورد مشارکت سیاسی در جدول زیر خلاصه شده است:

جدول ۱- نظر میلبراث و گوئل در مورد مشارکت سیاسی

مأخذ: (گوئل و میلبراث به نقل از راش، ۱۳۷۷)

میزان مشارکت کمتر	میزان مشارکت بیشتر
تحصیلات کمتر به ویژه فقط تحصیلات متوسطه یا ابتدایی	تحصیلات بیشتر، به ویژه آموزش عالی
طبقه کارگر یا طبقه پایین	طبقه متوسط
زنان	مردان
مجرد	متاهل
ساکنان روستایی	ساکنان شهری
اقامت کوتاه تر در جامعه	اقامت طولانی در جامعه
مشارکت اجتماعی کمتر یا عضویت در گروه هم‌سبک	مشارکت اجتماعی و عضویت در گروه‌ها یا سازمان‌ها
غیر سفید پوست	سفید پوست
اقلیت قومی	اکثریت قومی

۴) نظریه هانتینگتون

به نظر هانتینگتون^۱، در درون یک جامعه سطوح مشارکت سیاسی در ارتباط با پایگاه اقتصادی-اجتماعی متفاوت می‌شود. آن‌هایی که سواد و درآمد بیشتری دارند و دارای منزلت اجتماعی بالاتری هستند نسبت به آن‌هایی که فقیر، بی‌سواد و دارای مشاغل با منزلت پایین‌تری هستند، مشارکت بیشتری دارند. توسعه اقتصادی نسبت نقش‌های با منزلت بالاتر را در یک جامعه افزایش می‌دهد. این عوامل به شدت با یکدیگر مرتبط هستند. توسعه اقتصادی-اجتماعی مشارکت سیاسی را گسترش می‌دهد؛ زیرا به چندگونی سازمان‌ها، مؤسسات و دخالت بیشتر مردم در چنین گروه‌هایی منجر می‌شود (هانتینگتون و دومینز، ۱۹۷۵).

۳. چارچوب نظری

دیدگاه غالب در چارچوب نظری جامعه‌پذیری سیاسی است. در نظریه جامعه‌پذیری سیاسی به تعدادی از عوامل اجتماعی شدن؛ مانند خانواده، گروه‌های آموزشی، گروه‌های همسالان و رسانه‌های

1. Huntington

همگانی اشاره شد که فرآیند اجتماعی شدن از طریق آن‌ها صورت می‌گیرد؛ بنابراین معرف‌های اجتماعی از نظریه جامعه‌پذیری سیاسی گرفته می‌شود. علاوه بر دیدگاه جامعه‌پذیری سیاسی که دیدگاه غالب در چارچوب نظری است، از دیدگاه میلبراث نیز استفاده می‌شود. به نظر میلبراث افرادی که مدت زمان طولانی مقیم یک جامعه هستند، دارای اموال و املاکی بوده و نه آن‌چنان پیر و نه آن‌چنان جوان هستند، به احتمال زیاد از لحاظ سیاسی فعال‌تر هستند؛ بنابراین تفاوت بین مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان را از نظریه میلبراث انتخاب می‌کنیم.

۴. روش‌شناسی

مقاله حاضر از جهت نحوه گردآوری داده‌ها، پیمایشی، از لحاظ زمانی، مقطعی و مکان پژوهش شهرستان نورآباد ممسنی است. جامعه آماری پژوهش «جوانان و میانسالان» است که به ترتیب در گروه سنی بین ۱۸-۲۹ سال و ۳۰-۵۰ سال قرار دارند که تعداد آن‌ها ۸۹۸۵۰ است. با استفاده از فرمول لین حجم نمونه ۵۹۷ است که در این مقاله ۶۱۰ نفر در نظر گرفته شده است. این تعداد به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب انتخاب شده‌اند. با استفاده از حجم نمونه کل، نسبت نمونه جوانان شامل ۳۰۸ و میانسالان ۲۸۹ بوده که برای اطمینان بیشتر نمونه جوانان ۳۱۰ نفر و میانسالان ۳۰۰ گرفته شده است.

ابزار گردآوری اطلاعات پرسش‌نامه بوده است. سؤالات پرسش‌نامه تحقیق، براساس چهارچوب نظری، مفاهیم و متغیرهای به‌کاررفته در اهداف مطرح شده و با بازبینی پرسش‌نامه‌های تحقیقات مشابه طراحی شده است.

۵. متغیرهای مستقل و وابسته

به لحاظ گستردگی دامنه مشارکت سیاسی، از این واژه تعاریف مختلفی به عمل آمده است که به لحاظ تفاوت در مصداق و حیطه عمل، حاکی از عدم توافق بر سر یک تعریف جامع بوده و بیانگر عدم اجماع در شاخص‌ها و مؤلفه‌های این پدیده است (رئوف به نقل از چابکی،

۱۳۸۲). راش^۱ مشارکت سیاسی را درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی می‌داند (راش، ۱۳۷۷). وریبا^۲ و نای^۳ مشارکت سیاسی را به فعالیت‌هایی اطلاق می‌کنند که به وسیله شهروندان صورت می‌گیرد و هدفشان تأثیر گذاشتن بر دولت است که به وسیله انتخاب کارکنان دولت تأثیر خود را می‌گذارند (تئورل^۴، ۲۰۰۶). در این پژوهش منظور ما از مشارکت سیاسی، مجموعه فعالیت‌های ارادی مسالمت‌آمیز است که از طریق آن اعضای جامعه به قصد تأثیرگذاری بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی به طور مستقیم یا غیرمستقیم به آن دست می‌زنند.

تنها متغیر وابسته در این مقاله عبارت است از مشارکت سیاسی که در مقیاس فاصله‌ای اندازه‌گیری شده و بر اساس جمع نمرات حاصل از شاخص‌های رای‌دادن در انتخابات، شرکت در راهپیمایی‌ها، دیدن و شنیدن برنامه‌های سیاسی، خواندن بخش‌های سیاسی روزنامه‌ها و مجلات، فعالیت در ستادهای انتخاباتی، شرکت در جلسات و سخنرانی‌های سیاسی، فعالیت سیاسی به نفع کاندید یا جناح خاصی، نوشتن نامه به مقامات سیاسی و ملاقات با مقامات سیاسی که در سطح رتبه‌ای مورد سنجش قرار گرفته است. متغیرهای مستقل تحقیق عبارت‌اند از: جنسیت، تحصیلات، سیاسی‌بودن خانواده، سیاسی‌بودن دوستان، اعتماد اجتماعی، تعهد مذهبی و استفاده از رسانه‌های گروهی.

در مقاله حاضر برای سنجش روایی از اعتبار صوری^۵ استفاده شده است. برای سنجش اعتبار صوری گویه‌ها براساس چارچوب نظری پژوهش و مطالعات پیشین در اختیار اساتید دانشگاه قرار گرفت که در نهایت با حذف چند گویه بر اساس نظر این کارشناسان گویه‌های پژوهش انتخاب شدند. برای سنجش پایایی از آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج به-دست‌آمده نشان می‌دهد که آلفای کرونباخ برای متغیر سیاسی‌بودن خانواده برابر با ۰/۷۵، سیاسی‌بودن دوستان برابر با ۰/۷۶، اعتماد اجتماعی برابر با ۰/۷۹، مذهبی‌بودن برابر با ۰/۷۷،

1 . Rush

2 .Verba

3 .Nie

4 .Teorell

5 .Formal Validity

استفاده از رسانه‌های جمعی برابر با ۰/۷۷ و برای مشارکت سیاسی مقدار آن برابر ۰/۸۳ بوده است که نشان‌دهنده پایایی مناسب و قابل قبول ابزار مورد استفاده است.

۶. یافته‌های تحقیق

۶.۱. تحلیل توصیفی

بر اساس اطلاعات به دست آمده می‌توان دریافت که در این تحقیق ۵۰/۸٪ پاسخگویان جوان و ۴۹/۲٪ میانسال بودند. در میان پاسخگویان جوان بیشترین فراوانی جنسی مربوط به زنان (۵۵/۲٪) و در میان پاسخگویان میانسال مربوط به مردان (۶۲/۷٪) است، همچنین توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل نشان می‌دهد که اکثریت جوانان، مجرد (۷۳/۹٪) و اکثریت میانسالان، متأهل (۴۸٪) هستند. از نظر تحصیلات، میزان تحصیلات اکثریت جوانان دیپلم و بالاتر است و میزان تحصیلات اکثریت میانسالان دیپلم و پایین‌تر است، همچنین توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت تحصیلی والدین نشان می‌دهد که میزان تحصیلات والدین جوانان دیپلم و پایین‌تر است؛ ولی میزان تحصیلات والدین میانسالان بی‌سواد است. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌کنیم شرکت در انتخابات بیش از سایر جلوه‌های مشارکت سیاسی در میان جوانان و میانسالان عمومیت داشته است. ترکیب گویه‌ها در قالب یک مقیاس نشان می‌دهد که ۲۷/۱٪ جوانان میزان مشارکت سیاسی شان پایین، ۴۸/۱٪ متوسط و ۲۴/۸٪ میزان مشارکت سیاسی شان بالا است. ۲۱/۷٪ میانسالان میزان مشارکت سیاسی شان پایین، ۵۱/۳٪ متوسط و ۲۷٪ میزان مشارکت سیاسی شان بالا است؛ بنابراین اکثریت جوانان و میانسالان دارای میزان مشارکت سیاسی متوسط هستند.

جدول ۲- توزیع فراوانی گویه‌های مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان (درصد)

گویه	سن	اصلا	خیلی کم	تاحدودی	نسبتاً زیاد	خیلی زیاد
رای‌دادن در انتخابات	جوانان	۷/۱	۷/۷	۱۰/۳	۲۲/۳	۵۲/۶
	میانسالان	۴/۳	۳/۳	۸/۳	۱۷	۶۷
شرکت در راهپیمایی‌ها و تظاهرات	جوانان	۱۲/۳	۱۹/۴	۲۴/۵	۲۱/۳	۲۲/۶
	میانسالان	۱۲/۳	۴/۷	۲۴/۷	۲۷/۳	۲۱
دیدن و شنیدن برنامه-	جوانان	۱۲/۹	۲۳/۲	۳۳/۵	۱۶/۵	۱۳/۹

۱۵	۱۵/۳	۳۳/۳	۲۰/۷	۱۵/۷	میانسالان	های سیاسی
۱۲/۹	۱۳/۵	۲۵/۸	۲۹/۷	۱۸/۱	جوانان	خواندن بخش‌های سیاسی روزنامه‌ها و مجلات
۱۱	۱۶/۷	۲۹/۳	۲۳/۳	۱۹/۷	میانسالان	
۱۷/۴	۱۱	۱۵/۸	۲۱	۳۴/۸	جوانان	فعالیت در ستادهای انتخاباتی
۱۹/۷	۱۵/۳	۲۰/۷	۲۰/۷	۲۳/۷	میانسالان	
۹	۷/۷	۲۲۸/۴	۲۴/۵	۳۰/۳	جوانان	مشارکت در بحث‌های سیاسی
۶/۳	۱۴/۷	۲۷/۳	۲۴/۳	۲۷/۳	میانسالان	
۹/۷	۹/۴	۲۳/۲	۲۴/۵	۳۳/۲	جوانان	شرکت در جلسات و سخنرانی‌های سیاسی
۷	۱۱	۲۸	۲۳/۳	۳۰/۷	میانسالان	
۱۹/۷	۱۴/۲	۲۱/۶	۲۱	۲۳/۵	جوانان	فعالیت سیاسی به نفع کاندید یا جناح خاصی
۸/۷	۶/۷	۲۶/۷	۱۷/۳	۷/۲۰	میانسالان	
۸/۱	۹	۲۰	۲۷/۱	۳۵/۸	جوانان	نوشتن نامه به مقامات سیاسی
۸	۶/۷	۲۰	۳۲/۳	۳۲	میانسالان	
۷/۱	۳/۲	۹/۷	۲۵/۸	۵۴/۲	جوانان	ملاقات با مقامات سیاسی
۲/۳	۸/۳	۱۴	۲۲/۳	۵۳	میانسالان	

جدول ۳- توزیع فراوانی مقیاس مشارکت سیاسی

میانسالان		جوانان				گزینه‌ها
درصد تجمعی	درصد معتبر	فراوانی	درصد تجمعی	درصد معتبر	فراوانی	
۲۱/۷	۲۱/۷	۶۵	۲۷/۱	۲۷/۱	۸۴	در حد پایین
۷۳	۵۱/۳	۱۵۴	۷۵/۲	۴۸/۱	۱۴۹	در حد متوسط
۱۰۰	۲۷	۸۱	۱۰۰	۲۴/۸	۷۷	در حد بالا
-	۱۰۰	۳۰۰	-	۱۰۰	۳۱۰	جمع
مقادیر		مقادیر		مقادیر		آماره‌های مقیاس
۲۸/۱۹		۲۷/۲۵		۲۷/۲۵		میانگین مقیاس
۷/۹۷		۸/۰۸		۸/۰۸		انحراف معیار
۱۱		۱۰		۱۰		حداقل مقدار مقیاس
۵۰		۵۰		۵۰		حداکثر مقدار مقیاس

۲.۶. تحلیل استنباطی

در این قسمت یافته‌های استنباطی در چند بخش گزارش می‌شوند. معیار تفکیک بخش‌ها، تفاوت در سطح متغیرهای مستقل تحقیق است که به تناسب سطوح متغیرها از روش‌های آماری مختلف استفاده شده است و نتایج به اختصار ارایه می‌شود:

جدول ۴- نتایج آزمون T.TEST برای بررسی تفاوت بین مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان

سن	M	SD	t	sig
جوانان	۲۷/۲۵	۸/۰۸	-۱/۴۳	۰/۱۵۱
میانسالان	۲۸/۱۹	۷/۹۷		

با توجه به داده‌های جدول (۴)، میانگین میزان مشارکت سیاسی جوانان ۲۷/۲۵٪ با انحراف معیار ۸/۰۸۴٪ بوده و میانگین مشارکت سیاسی میانسالان ۲۸/۱۹٪ با انحراف معیار ۷/۹۷٪ بوده است؛ بنابراین میانگین مشارکت سیاسی میانسالان بیشتر از جوانان است؛ لذا با توجه به مقدار T به دست آمده (-۱/۴۳) و سطح معنی داری (sig=۰/۱۵۱) تفاوت معنی داری بین مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان وجود ندارد.

جدول ۵- نتایج آزمون T.TEST برای بررسی تفاوت بین مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان برحسب جنسیت

متغیرها	گروه	N	M	SD	t	sig
جوانان	مرد	۱۳۹	۲۸/۴۶	۸/۲۶	۲/۳۸۶	۰/۰۱۸
	زن	۱۷۱	۲۶/۲۶	۷/۸۲		
میانسالان	مرد	۱۸۸	۲۹/۴۷	۷/۹۷	۳/۷۵۸	۰/۰۰۰
	زن	۱۱۲	۲۶/۰۲	۷/۵۲		

براساس اطلاعات جدول بالا می‌توان نتایج زیر را گرفت:

میانگین میزان مشارکت در بین مردان جوان ۲۸/۴۶٪ با انحراف معیار ۸/۲۶٪ و در بین زنان جوان حدود ۲۶/۲۶٪ با انحراف معیار ۷/۸۲٪ بوده است. میانگین مشارکت سیاسی مردان جوان بیشتر از زنان جوان بوده است. مقدار آماره T حدود ۲/۳۸۶ با توجه به سطح معنی داری آن (۰/۰۱۸) در سطح اطمینان بیش از ۹۵ تفاوت معنی داری بین مشارکت سیاسی مردان و زنان جوان وجود دارد.

میانگین میزان مشارکت در مردان میان سال ۲۹/۴۷٪ با انحراف معیار ۷/۹۷٪ و در بین زنان میانسال ۲۶/۰۲٪ با انحراف معیار ۷/۵۲٪ بوده است. مقدار آماره T حدود ۳/۷۵۸ با توجه به سطح معنی داری آن (۰/۰۰۰) در سطح اطمینان ۹۹٪ تفاوت معنی داری بین مشارکت

سیاسی مردان و زنان میانسال وجود دارد؛ بنابراین، مردان جوان و مردان میانسال بیشتر از زنان جوان و زنان میانسال به مشارکت سیاسی می‌پردازد.

جدول ۶- آزمون تفاوت میانگین مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان برحسب سطح تحصیلات

سطح تحصیلات	فراوانی	میانگین	انحراف معیار	مقدار f	sig
جوانان	زیردیپلم	۶۴	۲۷/۶۸	۸/۲۴	۰/۷۵۹
	دیپلم	۱۳۰	۲۶/۹۴	۸/۳۷	
	فوق دیپلم	۴۲	۲۶/۴۷	۷/۱۳	
	لیسانس و بالاتر	۷۴	۲۷/۸۶	۸/۰۳	
میانسالان	زیردیپلم	۱۶۷	۲۶/۴۰	۷/۵۸	۰/۰۰۰
	دیپلم	۴۵	۳۰/۰۶	۷/۶۴	
	فوق دیپلم	۳۰	۳۰/۰۳	۸/۵۰	
	لیسانس و بالاتر	۵۸	۳۰/۹۳	۷/۹۱	

جدول (۶) آزمون تفاوت میانگین مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان را با توجه به تحصیلاتشان نشان می‌دهد. از آنجایی که متغیر تحصیلات رتبه‌ای و متغیر وابسته نیز در سطح فاصله‌ای است، برای بررسی آن از آزمون تفاوت میانگین F استفاده می‌کنیم. با توجه به مقدار F به دست آمده ($F=0/392$) و سطح معنی‌داری ($Sig=0/759$) تفاوت معنی‌داری بین مشارکت سیاسی جوانان برحسب تحصیلات وجود ندارد. در گروه میانسالان بالاترین میزان مشارکت سیاسی مربوط به میانسالان با تحصیلات لیسانس و بالاتر بوده و پایین‌ترین میزان مشارکت سیاسی مربوط به میانسالان زیردیپلم است؛ لذا با توجه به مقدار F به دست آمده ($F=6/82$) و سطح معنی‌داری ($Sig=0/000$) تفاوت معنی‌داری بین مشارکت سیاسی میانسالان برحسب تحصیلات وجود دارد؛ بنابراین میانسالان تحصیل کرده بیشتر به مشارکت سیاسی می‌پردازند تا آنهایی که تحصیلات چندانی ندارند؛ ولی بین مشارکت سیاسی جوانان برحسب تحصیلات تفاوتی وجود ندارد.

جدول ۷- همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل با مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان

متغیر	میانسالان			جوانان		
	سطح معنی داری (sig)	ضریب تعیین (R^2)	مقدار R پیرسون	سطح معنی داری (sig)	ضریب تعیین (R^2)	مقدار R پیرسون
خانواده سیاسی	۰/۰۰۰	۰/۰۶	۰/۲۶	۰/۰۰۰	۰/۱۹	۰/۴۴
دوستان سیاسی	۰/۰۰۰	۰/۱۱	۰/۳۳	۰/۰۰۰	۰/۰۶	۰/۲۶
اعتماد اجتماعی	۰/۰۰۰	۰/۰۴	۰/۲۰	۰/۰۰۰	۰/۰۷	۰/۲۷
تعهد مذهبی	۰/۰۰۰	۰/۱۴	۰/۳۸	۰/۰۰۰	۰/۰۷	۰/۲۶
استفاده از رسانه‌های گروهی	۰/۰۰۰	۰/۲۰	۰/۴۵	۰/۰۰۰	۰/۰۹	۰/۳۱

براساس اطلاعات جدول بالا رابطه مثبت و معناداری بین سیاسی بودن خانواده و مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان وجود دارد. مقدار همبستگی بین سیاسی بودن خانواده و مشارکت سیاسی جوانان ($r=0/44$) است؛ ولی این همبستگی در بین میانسالان ($r=0/26$) است؛ بنابراین جوانان بیشتر تحت تأثیر محیط خانواده به مشارکت سیاسی می‌پردازند و خانواده تأثیر پنهان و آشکاری بر مشارکت سیاسی آن‌ها دارد. در خانواده‌ای که درباره مسایل، آزادانه بحث می‌کنند، نوعی جامعه‌پذیری سیاسی شکل می‌گیرد که افراد را به فراگیری شایستگی سیاسی و تعهدات مربوط به آن توانا می‌سازد، همچنین ۱۹٪ از واریانس مشارکت سیاسی جوانان به وسیله سیاسی بودن خانواده تبیین می‌شود؛ ولی ۶٪ از واریانس مشارکت سیاسی میانسالان به وسیله سیاسی بودن خانواده تبیین می‌شود.

رابطه مثبت و معناداری بین سیاسی بودن دوستان و مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان وجود دارد. مقدار همبستگی بین سیاسی بودن دوستان و مشارکت سیاسی جوانان ($r=0/26$) است؛ ولی این همبستگی در بین میانسالان ($r=0/33$) است؛ بنابراین میانسالان بیشتر تحت تأثیر دوستان به مشارکت سیاسی می‌پردازند. یکی از عوامل جامعه‌پذیری سیاسی گروه‌های

همسالان هستند. تأثیر گروه‌های همسالان با تماس‌های اولیه کودک با محیط خارج از خانواده، آغاز می‌شود و با شرکت فرد در سازمان‌های مختلف اجتماعی تا پایان عمر ادامه پیدا می‌کند. ۶٪ از واریانس مشارکت سیاسی جوانان به وسیله سیاسی بودن خانواده تبیین می‌شود؛ ولی ۱۱٪ از واریانس مشارکت سیاسی میانسالان به وسیله سیاسی بودن دوستان تبیین می‌شود.

بر اساس اطلاعات جدول بالا رابطه مثبت و معناداری بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان وجود دارد. مقدار همبستگی پیرسون بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی جوانان ($r=0/27$)؛ ولی این همبستگی در بین میانسالان ($r=0/20$) است؛ بنابراین اعتماد اجتماعی تأثیر بیشتری بر مشارکت سیاسی جوانان نسبت به میانسالان دارد. این امر مربوط به اعتماد به افرادی است که نهادها و مؤسسات را اداره می‌کنند. اگر جوانان احساس کنند که در اداره‌ها فرآیند به شکل صحیحی صورت می‌گیرد و مشارکت آن‌ها روند جریان را تغییر می‌دهد، بیشتر به مشارکت می‌پردازند، همچنین ۷٪ از واریانس مشارکت سیاسی جوانان به وسیله اعتماد اجتماعی تبیین می‌شود؛ ولی ۴٪ از واریانس مشارکت سیاسی میانسالان به وسیله اعتماد اجتماعی تبیین می‌شود.

رابطه مثبت و معناداری بین تعهد مذهبی و مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان وجود دارد. مقدار همبستگی پیرسون بین تعهد مذهبی و مشارکت سیاسی جوانان ($r=0/26$) است؛ ولی این همبستگی در میان میانسالان ($r=0/38$) است؛ بنابراین میانسالان نسبت به جوانان بیشتر تحت تأثیر تعهد مذهبی به مشارکت سیاسی می‌پردازند. این متغیر گویای این امر است که میانسالانی که مذهبی‌ترند احتمالاً به دلیل تکلیف دانستن امر انتخابات و دیگر مقوله‌های مشارکت سیاسی بیشتر تمایل به انجام مشارکت سیاسی دارند، همچنین ۷٪ از واریانس مشارکت سیاسی جوانان به وسیله تعهد مذهبی تبیین می‌شود؛ ولی ۱۴٪ از واریانس مشارکت سیاسی میانسالان به وسیله تعهد مذهبی تبیین می‌شود.

بر اساس اطلاعات جدول بالا، رابطه مثبت و معناداری بین استفاده از رسانه‌های گروهی و مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان وجود دارد. مقدار همبستگی پیرسون بین استفاده از رسانه‌های گروهی و مشارکت سیاسی جوانان ($r=0/31$)؛ ولی این همبستگی در بین میانسالان

($r=0/45$) است؛ بنابراین میانسالان بیشتر تحت تأثیر میزان استفاده از رسانه‌های گروهی به مشارکت سیاسی می‌پردازند. رسانه‌ها در شکل دادن به سمت‌گیری‌های اصلی و نیز افکار خاص بیشترین مردم به‌خصوص میانسالان نقش مستقیمی دارند، همچنین ۹٪ از واریانس مشارکت سیاسی جوانان به وسیله میزان رسانه‌های گروهی تبیین می‌شود؛ ولی ۲۰٪ از واریانس مشارکت سیاسی میانسالان به وسیله میزان استفاده از رسانه‌های گروهی تبیین می‌شود.

تحلیل رگرسیون

به منظور مشخص شدن سهم تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به تحلیل رگرسیون چندمتغیره داده‌ها پرداخته می‌شود. به منظور تشریح و تحلیل رگرسیون چندمتغیره و دستیابی به مدل رگرسیونی تبیین مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان، ابتدا متغیرهایی که باید وارد معادله رگرسیونی شوند، مشخص شده است. به همین جهت تمامی متغیرهای مستقل به روش گام‌به‌گام^۱ انتخاب شده و در یک دستور رگرسیونی برای دستیابی به معادله نهایی، مورد استفاده قرار گرفته‌اند. ضمن این‌که متغیرهای اسمی به صورت متغیرهای ساختگی (I) وارد معادله شده‌اند.

جدول ۸- مدل رگرسیون چندمتغیره برای تبیین مشارکت سیاسی جوانان

متغیرهایی که وارد معادله شده‌اند					
sig	مقدار t	ضرایب استاندارد		متغیرها	
		Beta	ضرایب غیراستاندارد خطای استاندارد		
۰/۰۰۰	۸/۶۷۴	۰/۴۴۳	۰/۱۲۲	۱/۰۵۶	سیاسی خانواده
۰/۰۰۰	۴/۶۶۴	۰/۲۳۵	۰/۰۷۳	۰/۳۴۰	استفاده از رسانه‌های گروهی
۰/۰۰۰	۳/۰۹۰	۰/۱۶۰	۰/۰۸۱	۰/۲۴۹	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	-۲/۶۲۴	-۰/۱۲۸	۰/۷۹۱	-۲/۰۷۷	جنسیت (مرد بودن)
۰/۰۰۰	۲/۵۷۵	۰/۱۳۳	۰/۱۴۲	۰/۳۶۵	درجه مذهبی بودن
۰/۰۰۰	۲/۳۲۲	۰/۱۱۸	۰/۱۳۴	۰/۳۱۲	تمایلات سیاسی دوستان
۰/۰۰۰	۷/۰۸۱		۱/۷۵۷	۱۲/۴۴۱	مقدار ثابت

1 . Stepwise

جدول ۹- مدل رگرسیون چندمتغیره برای تبیین مشارکت سیاسی میانسالان

متغیرهایی که وارد معادله شده‌اند					
sig	مقدار t	ضرایب غیراستاندارد		متغیرها	
		Beta	خطای استاندارد		
۰/۰۰۰	۹/۷۷۶	۰/۴۹۳	۰/۱۲۷	۱/۲۴۲	سیاسی خانواده
۰/۰۰۰	۷/۷۹۱	۰/۳۶۷	۰/۰۷۰	۰/۵۴۷	استفاده از رسانه‌های گروهی
۰/۰۰۰	۵/۲۵۲	۰/۲۴۳	۰/۱۲۴	۰/۶۵۲	تعهد مذهبی
۰/۰۰۰	-۲/۸۹۹	-۰/۱۳۱	۰/۷۴۵	-۲/۱۵۹	جنسیت (مرد بودن)
۰/۰۰۰	۲/۱۲۷	۰/۰۹۵	۰/۰۷۵	۰/۱۶۰	اعتماد اجتماعی
۰/۰۰۰	۶/۵۴۱		۱/۷۵۶	۱۱/۴۸۳	مقدار ثابت

جدول ۱۰- شاخص‌ها و آمارهای تحلیل رگرسیونی برای تبیین مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان

میانسالان	جوانان	
۰/۶۷۰	۰/۵۶۲	ضریب همبستگی چندگانه
۰/۴۴۹	۰/۳۱۶	ضریب تعیین
۰/۴۴۰	۰/۳۰۲	ضریب تعیین تعدیل شده
۵/۹۶	۶/۷۵	خطای استاندارد

همان‌طور که در جدول (۱۰) مشاهده می‌شود ضریب همبستگی چندگانه یا R برای مشارکت سیاسی جوانان برابر با ۰/۵۶۲ و مقدار ضریب تعیین R^2 معادل با ۰/۳۱۶ است و نشان می‌دهد در-مجموع ۳۱/۶٪ از واریانس متغیر وابسته؛ یعنی مشارکت سیاسی جوانان توسط شش متغیر سیاسی بودن خانواده، استفاده از رسانه‌های گروهی، اعتماد اجتماعی، مرد بودن، تعهد مذهبی و تمایلات سیاسی دوستان تبیین می‌شود و ضریب مذکور در سطح بیش از ۹۹٪ ($\text{sig } F = ۰/۰۰۰$) معنادار هستند.

ضریب همبستگی چندگانه برای مشارکت سیاسی میانسالان برابر با ۰/۶۷۰ است. مقدار ضریب تعیین R^2 برای مشارکت سیاسی میانسالان معادل با ۰/۴۴۹ است و نشان می‌دهد در مجموع ۴۴/۹٪ از واریانس متغیر وابسته؛ یعنی مشارکت سیاسی میانسالان توسط پنج متغیر سیاسی بودن خانواده، استفاده

از رسانه‌های گروهی، تعهد مذهبی، مرد بودن و اعتماد اجتماعی تبیین می‌شود و ضریب مذکور در سطح بیش از ۹۹٪ ($\text{sig } F= ۰/۰۰۰$) معنادار هستند.

بر اساس جداول بالا می‌توان گفت که سیاسی بودن خانواده، مؤثرترین متغیر تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان است؛ به این معنی که هر چه خانواده بیشتر سیاسی باشد، مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان بیشتر خواهد بود. بعد از این متغیر، میزان استفاده از رسانه‌های گروهی در رتبه دوم قرار داشته است.

۷. نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج تحقیق میزان مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان در حد متوسط بوده و شرکت در انتخابات بیش از سایر جلوه‌های مشارکت سیاسی در میان آن‌ها عمومیت داشته و بین مشارکت سیاسی آن‌ها تفاوت معنی‌داری به دست نیامده است و با تحقیقات کیتیلیر (۲۰۰۷)، جان کووسکی و استریت (۱۹۹۵)، زیکن و همکارانش (۲۰۰۶) و شرفخانی غیر هم‌سو بوده است. اکثر مطالعات در سراسر جهان نشان دادند که مشارکت سیاسی با افزایش سن افزایش می‌یابد تا به حد خاصی در میانسال می‌رسد و در سنین کهن‌سالی کاهش می‌یابد؛ اما در این تحقیق به این نتیجه رسیدیم که بین مشارکت سیاسی افراد جوان و میانسال در شهرستان نورآباد ممسنی تفاوتی وجود ندارد. بررسی فرهنگ روستایی و عشایری حاکی از این واقعیت است که خویشاوندگرایی و احساس تعلق به ایل و طایفه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. ریشه این موضوع به تجربه‌های ایل و طایفه در مورد چگونگی حفظ امنیت و ادامه حیات آن برمی‌گردد. در این مجموعه فرد به تنهایی قابل تصور نیست؛ بلکه فرد همان ایل است و ایل مساوی با فرد است. در فرهنگ روستایی و عشایری ارزیابی فرد منوط به موقعیت خانوادگی اوست. نقش‌هایی که واگذار می‌شود منحصرأً به وی تعلق نمی‌گیرد؛ بلکه کل خانواده را نیز شامل می‌شود؛ لذا وقتی عضوی از یک خانواده ارتقای اجتماعی می‌یابد، در حقیقت خانواده او ارتقا پیدا می‌کنند. از طرفی فرد در زمان ارتقای اجتماعی می‌کوشد تا دست سایر اعضای خانواده و قوم خویش را بگیرد تا آن‌ها نیز از مزایای اجتماعی برخوردار شوند. این خصلت عشیره‌ای در حوزه سیاست همچنان ادامه پیدا کرده است. می‌توان رفتار انتخاباتی را متأثر از فرهنگ قبیله‌ای و

تمایل شدید به غلبه و پیروزی طایفه دانست و نیز رفتار رأی‌دهی مردم را نوعی رفتار احساسی - سستی و کمتر عقلانی به حساب آورد.

بر اساس یافته‌ها مردان جوان بیشتر از زنان جوان و مردان میانسال بیشتر از زنان میانسال به مشارکت سیاسی می‌پردازند و با تحقیق شرفخانی غیرهم‌سو است. زنان در مقایسه با مردان از علاقه - مندی کمتری نسبت به مسائل سیاسی برخوردارند. مانع واقعی برابری زن و مرد مشارکت سیاسی نبوده؛ بلکه تفاوت‌های اجتماعی ژرف‌تر میان مردان و زنان بوده است که زنان را در چارچوب وظایف خانوادگی و خانگی محدود می‌کرد.

نتایج نشان داد که میانسالان تحصیل‌کرده بیشتر به مشارکت سیاسی می‌پردازند تا آن‌هایی که تحصیلات چندانی ندارند؛ ولی بین مشارکت سیاسی جوانان برحسب تحصیلات تفاوتی به دست نیامده است. در مورد این که چرا میانسالان تحصیل‌کرده بیشتر به مشارکت سیاسی می‌پردازند، شاید بتوان این‌گونه توضیح داد که در میانسالان سطح بالای تحصیلات گرایش‌ها و وطن‌پرستانه، احساس تأثیرگذاری بر سیستم سیاسی، کامیابی‌های سیاسی و احساس مبنی بر این که رأی‌دادن یک تعهد مدنی است را القا می‌کند.

رابطه مثبت و معناداری بین سیاسی‌بودن خانواده و مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان به دست آمده است؛ ولی جوانان بیشتر تحت تأثیر محیط خانواده به مشارکت سیاسی می‌پردازند. این امر نشانه اهمیت خانواده و همچنین هنجارهای موجود در جریان جامعه‌پذیری جوانان است؛ به عبارت دیگر، میزان اهمیت مسائل سیاسی برای خانواده‌ها به توجه و رفتار سیاسی جوانان تأثیرگذار بوده و نگرش سیاسی آن‌ها را تحت تأثیر قرار خواهد داد. خانواده با شیوه تربیتی که اعمال می‌کند می‌تواند آگاهی و مهارت سیاسی را در جوانان ایجاد کند.

رابطه مثبت و معناداری بین سیاسی‌بودن دوستان و مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان به دست آمده است؛ اما میانسالان بیشتر تحت تأثیر دوستان به مشارکت سیاسی می‌پردازند. گروه دوستان به واسطه ساختارش که در آن اعضا از یکسانی و هم‌شکلی و درعین حال از هم‌دلی و همراهی برخوردارند، فضای مناسبی برای ایجاد شخصیت مستقل و درنهایت، اثبات این شخصیت مستقل فراهم می‌آورد. درعین حال، گروه دوستان به فرد می‌آموزد که همچون خود او از شخصیت مستقل و

منحصربه‌فرد برخوردارند و لذا باید از احترام و پذیرش متقابل برخوردار شوند. به این ترتیب، این گروه ابتدا سلوک مستقل اجتماعی را به فرد می‌آموزد و سپس با سست کردن علاقه‌های عاطفی زندگی خانوادگی و ایجاد پیوندهای جدید اجتماعی، زمینه‌های استقلال عاطفی فرد را در جهت انتزاع از خانواده فراهم می‌کند.

نتایج نشان داده است که رابطه مثبت و معناداری بین اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان وجود دارد. اعتماد اجتماعی تأثیر بیشتری بر مشارکت سیاسی جوانان نسبت به میانسالان دارد. اعتماد حاصل تجربه زندگی در جامعه است، اعتماد احساس بی‌قدرتی را در افراد کاهش می‌دهد و باعث مشارکت سیاسی در جامعه به‌خصوص در میان جوانان می‌شود.

رابطه مثبت و معناداری بین تعهد مذهبی و مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان وجود دارد. میانسالان بیشتر تحت تأثیر تعهد مذهبی به مشارکت سیاسی می‌پردازند. افرادی که بیشتر پای‌بند به امور دینی باشند خود را موظف خواهند دانست که در فعالیت‌های سیاسی مشارکت داشته باشند. از نگاه دینی، فرد در مقابل خودش، خدایش، جامعه‌اش و غیره، موظف است که نسبت به سرنوشت خود حساس باشد، در صحنه باشد، فعال باشد.

رابطه مثبت و معناداری بین استفاده از رسانه‌های گروهی و مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان وجود دارد و میانسالان بیشتر تحت تأثیر میزان استفاده از رسانه‌های گروهی به مشارکت سیاسی می‌پردازند. وسایل ارتباط جمعی به‌عنوان یکی از شاخص‌های نوسازی نقش قابل توجهی در افزایش مشارکت سیاسی جوانان و میانسالان دارد. این تأثیر مثبت است و باعث افزایش مشارکت سیاسی می‌شود.

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نشان داده است که شش متغیر سیاسی بودن خانواده، استفاده از رسانه‌های گروهی، اعتماد اجتماعی، جنسیت (مرد بودن)، تعهد مذهبی و تمایلات سیاسی دوستان در مجموع توانسته‌اند ۳۱/۶٪ از واریانس متغیر وابسته؛ یعنی مشارکت سیاسی جوانان را تبیین کنند. و پنج متغیر سیاسی بودن خانواده، استفاده از رسانه‌های گروهی، تعهد مذهبی، جنسیت (مرد بودن) و اعتماد اجتماعی در مجموع توانسته‌اند ۴۴/۹٪ از واریانس متغیر وابسته؛ یعنی مشارکت سیاسی میانسالان را تبیین کنند. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده ملاحظه می‌شود که عوامل اجتماعی شدن و

نهادهایی که وظیفه اجتماعی شدن را بر عهده دارند، مهم‌ترین نقش را در شکل‌دهی نگرش‌ها و رفتار سیاسی جوانان و میانسالان دارند. این عوامل که از عوامل مهم اجتماعی شدن هستند، دارای همبستگی معناداری با مشارکت سیاسی هستند، هرچه قدر عواملی که آگاهی سیاسی افراد را افزایش می‌دهند، بیشتر باشد و فرد بیشتر با آن‌ها در تماس و ارتباط باشد، میزان مشارکت سیاسی وی نیز افزایش خواهد یافت.

کتاب‌نامه

۱. احمدی، حسین. (۱۳۸۷). «مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان و عوامل مؤثر بر آن». *جامعه‌شناسی ایران* : <http://sociologyofiran.com/index>
۲. ایمان، محمد تقی؛ مقدس، علی اصغر. (۱۳۸۱). «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی جوانان». *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد*. شماره سوم و چهارم. سال سی و پنجم. صص ۴۳-۵۹.
۳. بستانی، حسن. (۱۳۸۲). *بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی و اجتماعی دانشجویان بر میزان مشارکت سیاسی آنان و ارزیابی راه کارهای سیاست‌گذاری جهت تقویت این مشارکت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته حقوق، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- ۴- بشیریه، حسین. (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی سیاسی: نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*. چاپ نهم. تهران: نشر نی.
۵. شرفخانی، جعفر. (۱۳۸۶). «بررسی میزان مشارکت جوانان در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی» <http://sociologyofiran.com/index.php>
۶. حبیب‌زاده مرودشتی، فهیمه. (۱۳۸۲). *بررسی هویت ملی و دینی جوانان و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی و اجتماعی آن‌ها*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته پژوهش علوم اجتماعی. دانشگاه الزهرا. دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.
۷. چابکی، ام البنین. (۱۳۸۱). «جنسیت و مشارکت سیاسی (بررسی مقایسه‌ای مشارکت سیاسی دانشجویان دختر و پسر در تهران)». *فصل‌نامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا*. سال دوازدهم و سیزدهم. شماره ۴۵. صص ۷۸-۹۴.
۸. دیانتی‌نیت، جواد. (۱۳۸۲). *بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان مشارکت سیاسی دانشجویان دانشگاه تبریز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته جامعه‌شناسی. دانشگاه تبریز. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.

۹. قوام، عبدالعلی. (۱۳۶۹). «درآمدی بر جامعه‌پذیری سیاسی». *نامه علوم اجتماعی*. دانشگاه تهران. جلد دوم. شماره ۱. صص ۱-۱۴.
۱۰. راش، مایکل. (۱۳۷۷). *جامعه و سیاست*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: انتشارات سمت.
۱۱. ملکی، امیر. (۱۳۸۴). «نگرش جوانان نسبت به مشارکت سیاسی زنان در سطح برگزیدگان سیاسی». *نامه علوم اجتماعی*. شماره ۲۵. صص ۱۰۸-۱۲۹.
۱۲. محمدی‌اصل، عباس. (۱۳۸۳). «موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران پس از انقلاب». *فصل‌نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی*. سال سوم. صص ۵۲-۷۱.
۱۳. نادمی، داوود. (۱۳۸۲). «جامعه‌پذیری سیاسی چیست؟». *روزنامه اعتماد*. www.bashgah.net/sources
۱۴. نلسون، جان. (۱۳۷۹). *مشارکت سیاسی در درک توسعه سیاسی*. تدوین مایرون، واینر، ساموئل، هانتینگتون. مترجم: پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۵. وند نوروز، جواد. (۱۳۸۶). «نقش نشریات دانشگاهی در جامعه‌پذیری سیاسی دانشجویان». *روزنامه رسالت*. شماره ۶۲۵۳، صفحه ۱۹.
16. Adamson, Goran. (2002). "Immigration and Political Participation Background, Theory, and Empirical Suggestion". At <http://fra.europa.eu/fra/material/pub/discussion/Immigrant-and-political-participation-2006.pdf>
17. Huntington, S.P; Dominguez, J. (1975). "Political Development" in *Handbook of Political Science*, edited by, Greenstein. F,G.Nelson.W.Pohsby New York.Addison – Wesley Publishing Company.
18. Jankowski, Thomas D; Strate, John M. (1995). "Mode of Participation over the Adult Life Span". *Political Behavior*. Vol. 17. No.1. pp. 89-106.
19. Nie, Norman H; Verba, Sidney; Kim, Jae – On. (1974). "Political Participation and the Life Cycle". *Comparative Politics*. Vol. 6. No. 3. pp. 319-340.
20. Quintelier, Ellen. (2007). "Differences in Political Participation Between Young and Old People". *Contemporary Politics*. Vol. 13. Issue 2. pp. 165-180.
21. Taylor, Beth L. (2000). *The Impact of Age on Political Participation in West Virginia*. Thesis submitted to the College of Arts and Sciences at West Virginia University.
22. Teorell, Jan. (2006). "Political participation and three theories of democracy: A research inventory and agenda". *European Journal of Political Research*. 45. 787-810.

23. Zekin, Cliff; Keeter, Scot; Andolina, Molly; Jenkins, Krista; Delli Carpini, Michael X. (2006). "A New Engagement? Political Participation, Civic Life, and the Changing American Citizen". *The Journal of Psychiatry*. Number 34. pp. 65-79

